

اصول کتاب‌خواری!

پنج اصل مهم و حیاتی برای کسانی که می‌خواهند کتاب‌خوار شوند

پیرو این‌که مطالعه‌ی کتاب امری است بسیار پسندیده و برای خودش یک پا "باقیات و صالحات" است، و ایضاً در راستای این‌که ما از آن دسته آدم‌ها هستیم که خیلی از کارهای باقیات و صالحات‌دار خوشمان می‌آید و ایضاً در راستای پیرو این‌که آمار مطالعه‌ی کتاب در کشور ما خیلی اوضاع درست و درمانی ندارد، تصمیم گرفتیم چند راه‌کار اساسی ارائه دهیم تا با رعایت آن‌ها در کسری از ثانیه آمار کتاب‌خوانی و مطالعه در کشور عزیزمان چنان برود بالا که به قول معروف بچسبد به سقف. و آنوقت است که این کشورهایی که خیلی به آمار بالای مطالعه در کشورشان می‌نازند باید بروند جلو و "ووووزلا" بزنند.



اصل اول؛ برنامه‌ریزی کنید.

ما خودمان از وقتی توانستیم دست چپ و راست‌مان را از هم تشخیص بدهیم دیدیم که پدر و مادر و معلم و مدیر و ناظم و.. خلاصه کلی آدم دیگر، رفتند و آمدند و به ما گفتند: برنامه‌ریزی کن! البته هیچ‌وقت به حرف‌شان گوش ندادیم و اکنون که دچار کبر سن شده‌ایم خیلی خیلی پشیمانیم. حالا، اگر شما دل‌تان نمی‌خواهد چند صباح دیگر مثل ما انگشت ندامت بگزید به این توصیه عمل کنید و یک‌بار هم که شده در زندگی‌تان برنامه‌ریزی کنید. بعد وقتی برنامه‌ریزی کردید، یک زمان خوب و مساعد را هم اختصاص بدهید به مطالعه‌ی کتاب. باور کنید راه دوری نمی‌رود.

اصل دوم؛ جوگیر نشوید.

قرار نیست شما به تنهایی آمار مطالعه‌ی کتاب را بالا ببرید. مطالعه کار پسندیده‌ای هست اما مثل هر کار دیگری وقت و موقعیت خاص خودش را می‌طلبد. بنابراین وقتی نوبت تاکسی یا اتوبوس نشسته اید و یا در جمع خانواده، فامیل یا دوستان هستید کتاب مبارک را دست نگیرید که یعنی در حال مطالعه‌اید. چون در مورد اول به دلیل تکان‌های مکرر وسیله‌ی نقلیه‌ی مذکور چشم‌نازنین‌تان درمی‌آید و آسیب می‌بیند و در مورد دوم اطرافیان چشم‌هایتان را درمی‌آورند. باور کنید گاهی وقت‌ها مطالعه‌ی کتاب در جمع فامیل و.. کار خوبی نیست.



اصل سوم؛ سلیقه‌ی خود را بشناسید.

قبل از این‌که هر کتابی به دست‌تان برسد را بخوانید، کمی فکر کنید و ببینید به چه موضوعاتی علاقه‌مندید. تاریخ، رمان، شعر و.. و بعد از این‌که فهمیدید به چه مسایلی علاقه دارید به سراغ آن رفته و با خیال راحت مشغول مطالعه شوید. مطمئن باشید که از این شاخه

به آن شاخه پریدن جز اتلاف وقت و دست‌یابی به اطلاعات زاید سود دیگری ندارد.

اصل چهارم؛ سیر مطالعاتی داشته باشید.

بدانید و آگاه باشید، آن نویسنده‌ای که زحمت کشیده و کلی کتاب نوشته و خون‌دل خورده برای خودش، این‌طور نبوده که مثلاً کتاب آخرش را اول بنویسد یا کتاب اولش را آخر که شما هرطور که دوست داشتید و دلتان خواست بروید و یکی از کتاب‌هایش را بخوانید. سعی کنید کتاب‌های یک نویسنده را از ابتدا تا انتها و به ترتیب زمانی مطالعه کنید. حسن این‌کار این است که می‌فهمید نویسنده‌ی مورد نظر چگونه مراحل رشد و پیشرفت را طی کرده و به سبک دل‌خواه خود رسیده است.

اصل پنجم: به چهار اصل بالا عمل کنید!